■ مردم شهر دزفول یکی از بهترین امتحان‌های دوران انقلاب و جنگ تحمیلی را در تاریخ به یادگار گذاشتند و قهرمانی ماندگاری را به ثبت رساندند و این اثر شگفت‌آور نتیجه رسوخ و نفوذ ایمان انقلابی تا اعماق روح و جان این مردم است

روایت «وطن امروز» از مقاومت مردم دزفول در برابر هجوم رژیم بعثی

دزفول، نگین مقاومت

محمدعلی سخاوت: می‌دانیم در تاریخ جنگ ۲ عملیات بزرگ و سرنوشت‌ساز توسط رزمندگان اسلام علیه متجاوزان بعثی انجام شد به نام‌های فتح‌المبین و الی بیت‌المقدس، بدون تردید این ۲ عملیات گسترده و سرنوشت‌ساز ورق جنگ و تاریخ دفاع‌مقدس را به نفع ایران اسلامی برگرداند.

شگفت‌انگیزتر آنکه این ۲ عملیات وسیع که هنوز هم بسیاری از ناگفته‌ها را در خود دارند و به آنها پرداخته نشده است با فاصله کوتاه زمانی از هم به وقوع پیوسته است. در این عملیات‌ها رزمندگان غیور اسلام اعم از ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای مردمی افتخارها آفریده و هزاران کیلومتر مربع از خاک عزیز کشورمان را از دست متجاوزان بعثی خارج و هزاران نفر از اشغالگران وطن اسلامی را به اسارت گرفته یا به درک واصل کردند و بسیاری از ادوات جنگی آنها به غنیمت گرفته یا منهدم شد. در نهایت در «سوم خرداد سال ۶۱» با آزادسازی خرمشهر این عملیات‌ها به پایان رسید و سوم خرداد روز فتح خرمشهر «روز مقاومت، ایثار و پیروزی» در تاریخ به ثبت رسید و در تقویم‌های سالانه کشورمان ماندگار شد.

«روز چهارم خرداد» نیز روز ماندگار دیگری است که به نام «روز مقاومت و پایداری؛ روز دزفول» در روزنگار کشورمان ثبت شده است.

«اما چرا ۴ خرداد و چرا روز دزفول؟!» اگر حس کنجکاوی شما تحریک شده و می‌خواهید بدانید چرا، باید به آن روزهای حماسه‌ساز برگردیم و به حماسه‌سازان دفاع‌مقدس، به ایام سخت و دشوار و به مردان و زنان و نوجوانان و جوانان و میانسالان و پیرمردان و پیرزنان و... که چگونه در برابر دشمن تا بن دندان مسلح که حمایت جهانی را پشت سر خود داشت، ایستادگی کردند و حماسه‌های شگرف آفریدند و اسوه و اسطوره مقاومت و پایداری شدند.

هم آن روز معلوم بود و هم امروز و دیگر زاویه پنهانی نمانده است که جنگ توسط جبهه استکبار جهانی و به نمایندگی عراق در ۳۱ شهریور سال ۵۹ در حالی بر ایران اسلامی تحمیل شد که کشورمان، هنوز درگیر سر و سامان دادن به خرابی‌های ناشی از انقلاب و ویرانگری‌های نظام شاهنشاهی و در حال دست و پنجه نرم کردن با مشکلاتی بود که بخش عمده آنها از رژیم سابق به ارث رسیده بود و بخش دیگری هم زاییده همان دشمنان و دنباله‌های داخلی آنها بود که از این انقلاب آسیب دیده و منافع‌شان به خطر افتاده بود، مانند کودتا، ترور، تحریک قومیت‌ها برای جدایی از مام میهن در کردستان، خوزستان، ترکمن صحرا و جاهای دیگر، همچنین ظهور گروه‌هایی که مانند قارچ از زمین سر بر آورده بودند و نوعا هم با سلاح‌هایی که از پادگان‌ها و مراکز دیگر نظامی و انتظامی به سرقت برده بودند، مسلحانه در برابر نظام نوپای اسلامی صف کشیده بودند و از هر گونه خسارت زدن و خیانت دریغی نداشتند؛ مراجعه‌ای به تاریخ، همه اینها را به وضوح به شما نشان می‌دهد.

از جنبه‌های دیگر، باید حقاً و انصافاً به پایبندی، از خود گذشتگی و ایثار و فداکاری و دلسوزی اقشار مختلف مردم که به صورت یکپارچه تحت لوای ولایت و اوامر رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رضوان‌الله علیه در هر نقطه کشور به صورت خودجوش و دین‌مدارانه در حال رتق و فتق امور و دفع شرور بودند هم اشاره کرد که اگر این پایمردی‌ها و ایثارگری‌ها و حضور فعال نبود، به جرأت می‌توان ادعا کرد که انقلاب اسلامی هم به تاریخ می‌پیوست و امروز هم مانند قیام مشروطه و دیگر قیام‌ها شاید ذکری از آن در اذهان مردم نبود و شاید اصلا به صورت تحریف شده و تحت عنوان «یک اشتباه تاریخی» ثبت شده بود. جنگ تحمیلی را هم می‌توان یکی از هزاران توطئه‌هایی دانست که به قصد براندازی این نظام نوپا و به عنوان اقدامی تمام‌کننده برپا شد، اما هنگامی که جنگ آغاز شد از گوشه‌گوشه کشور اسلامی، غیورمردان، شیرزنان، جوانان، نوجوانان و... همه با هم به دفاع از میهن برخاستند تا این شر بزرگ را دفع کنند. در این باره هم حماسه‌ها آفریده شد و در تاریخ به ثبت رسید که شایسته است کتاب‌ها درباره آنها نوشته شود تا همه بدانند مردم این کشور در شرایط مختلف چگونه پای انقلاب و نظام اسلامی خود ایستاده و افتخارها آفریدند.

حماسه مردم شهرستان دزفول نمونه‌ای از این مقاومت جانانه و ایثارگری شجاعانه است؛ شهری که در طول ۸ سال دفاع‌مقدس با تمام وجود در برابر متجاوزان ایستاد و ۲۵۰۰ گلوله توپ، ۳۳۱ راکت هواپیما و ۱۷۶ فروند موشک در سایزهای ۶، ۹ و ۱۲ متری را بر پیکر خود تحمل کرد؛ ۲۶۰۰ شهید، ۴ هزار جانباز و ۵۰۰ آزاده تقدیم ساحت قدس این انقلاب شکوهمند اسلامی کرد و هزاران (۱۹۰۰۰) باب منزل مسکونی و مغازه مردمش تخریب شد و فرزندانش هم پیوسته در صحنه‌های دفاع‌مقدس از سطح بالای فرماندهی تا رزمندگان تکاور حضور داشتند. دزفول و دزفولی‌ها ایستادند، امتحان دادند و سربلند از آزمون بیرون آمدند و بالاخره در تاریخ ۴ خرداد سال ۶۶ توسط دولت وقت جمهوری اسلامی مفتخر به دریافت لوح «شهر نمونه جنگ و پایتخت مقاومت» شدند.

خاطرات مقاومت دزفول

نماز جمعه؛ قلب تپنده مقاومت

یکی از نمادهای مقاومت در دزفول «نماز جمعه» این شهر نمونه در دوران دفاع‌مقدس بود؛ پیر زنده‌دل و مجاهد مرحوم آیت‌الله قاضی با پایمردی تمام در حالی که سن‌شان بالای ۸۰ سال بود همه هفته مقید بودند نماز جمعه به عنوان یکی از «نمادهای مقاومت» در این «شهر نمونه» برگزار شود. برقراری نماز جمعه هم موجب تقویت روحیه مردم همیشه حاضر در صحنه، در این شهر پرخطر بود و هم مایه دلگرمی رزمندگانی بود که از گوشه و کنار کشور برای حضور در جبهه‌های جنگ تحمیلی و دفاع‌مقدس در منطقه حضور داشتند و بنا بر ضرورت‌های متفاوت به دزفول می‌آمدند یا از جبهه‌های نزدیک برای نماز در جمع نمازگزاران حاضر می‌شدند.

واقعا تأثیر این سرزندگی و جریان داشتن حیات در شهر به حدی بود که از چشم هیچ کس پنهان نبود. با وجود خطرات بسیار بالا و زیر آتش بودن شهر، انصافا شوخی نبود که بیننده مشاهده کند مردم مرگ را تا این اندازه نسبت به خود و خانواده خود به سخره بگیرند.

می‌دانیم که دزفول هم از حیث جغرافیایی و هم ژئوپلیتیک موقعیت سرنوشت‌سازی دارد که این موقعیت از چشم دشمنان پنهان نبود، زیرا این شهر به دلیل موقعیت جغرافیایی خود- که در شمالی‌ترین نقطه استان زرخیز خوزستان واقع شده است- به عنوان گلوگاه استان به حساب می‌آید و هم از حیث نظامی دارای مراکز حساسی برای دفاع از کشور بود؛ چرا که پایگاه هوایی چهارم شکاری و مرکز آماد لشکر ۹۲ زرهی خوزستان در این شهر قرار داشت و دارای خطوط مواصلاتی جاده‌ای و ریلی از بندرهای مهم کشور نظیر بندر ماهشهر و بندر مهم و استراتژیک خرمشهر به سایر استان‌ها بویژه پایتخت یعنی تهران بود... اگر دشمن موفق می‌شد از رودخانه کرخه عبور کرده و جاده استراتژیک اهواز- تهران یا پایگاه چهارم شکاری دزفول و یا مرکز آماد لشکر ۹۲ زرهی را تصرف یا به آنها تعرض کند، بدون‌شک سرنوشت جنگ به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد و در واقع ایران باید خوزستان را از دست رفته تلقی می‌کرد!!! در اینجا ارزش ایستادگی مرحوم آیت‌الله قاضی همچون کوهی استوار در شهر و برگزاری‌بدون وقفه نماز جمعه حتی به‌رغم بمباران آن محل، با جابه‌جایی سریع محل و برگزاری نماز جمعه در محل جدید به صورت هر هفته به همراه پذیرایی ناهار از رزمندگان غیردزفولی و همچنین پایداری شکوهمند مردم ولایتمدار و از جان گذشته و عاشورایی، این تصور دشمنان را بر باد داد و این گلوگاه را محکم نگه داشت.

در کنار این دو عامل، در خط مقدم هم سلحشوری و دفاع جانانه، شور و شعور و آگاهی و آمادگی جوانان و مردم پرشور دزفولی، جوانان مومن و پای کار شوشی و اندیمشکی در قالب تیپ ۷ ولیعصر (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) در تشکیل گردان‌ها، امدادگران و پرستاران و دیگر نیروهای عزیز مردمی و بسیجی و عشایری، توانست دشمن را در رسیدن به اهداف شوم خود ناکام گذاشته و آنها را پشت رودخانه کرخه متوقف کند. همچنین آنان توانستند به‌رغم عدم تعادل در توان و تجهیزات نظامی طرفین در این جنگ ناخواسته، در برابر دشمن مقابله کرده و با پدافندی قوی تا عملیات فتح‌المبین، دشمن را در نقاط مختلف زمین‌گیر کنند.

■ نخستین نماز جمعه دزفول همزمان با عملیات غرورآفرین فتح‌المبین

مراسم سیاسی - عبادی نمازجمعه در ۶ فروردین‌ماه سال ۶۱ همزمان با عملیات فتح‌المبین، با شرکت شکوهمند مردم دزفول در مصلای امام علی علیه‌السلام به امامت آیت‌الله سیدمجدالدین قاضی برگزار شد. مردم در حالی که از یک سو با شور و شوق وصف‌ناپذیری شاهد پیروزی‌های چشمگیر فرزندان خود در جبهه نبرد حق علیه باطل بودند، از طرف دیگر رژه‌ای از جمع کثیری از اسرای عراقی را که در این عملیات پیروزمندانه به اسارت رزمندگان اسلام درآمده بودند در خیابان شهر تماشا می‌کردند و آثار پایمردی و مقاومت خود و خالی نکردن شهر و همچنین آثار جانفشانی و ایثار فرزندان‌شان در جبهه را می‌دیدند و لذت می‌بردند. **(به نقل از کتاب حماسه ماندگار، اثر احمد لطیف‌پور)**

روزی که صدام نزدیک بود به اسارت ایرانی‌ها در آید

عملیات فتح‌المبین دشمن را غافلگیر کرد؛ روزی که صدام در غرب دزفول از جبهه‌ها بازدید می‌کرد، عملیات فتح‌المبین در جریان بود؛ قرارگاه نصر سپاه تحت فرماندهی شهید حسن باقری، استراتژیست، طراح و نابغه بزرگ جنگ، در یکی از مراحل عملیات موفق شد توپخانه سپاه چهارم عراق و ارتفاعات رادار را در سرزمین ناهموار غرب رودخانه کرخه به تصرف درآورد. «اینجا نخستین و آخرین باری بود که صدام تا آستانه اسارت پیش رفت»!!!

سرلشکر عبدالحمید محمود الخطاب، رئیس دفتر صدام که از همراهان وی در این ماجرا بود، در خاطرات خود چنین آورده است: «در عملیاتی که ایرانی‌ها نام فتح‌المبین را روی آن گذاشته بودند نیروهای ایرانی به منطقه استقرار سپاه چهارم و مواضع ستادی این سپاه رسیدند، رئیس‌جمهور صدام هم در همین منطقه بود؛ ژنرال عدنان خیرالله، وزیر دفاع هم حضور داشت و همین که نیروهای ایرانی ما را دور زدند، احساس همه ما این بود که بزودی به اسارت درخواهیم آمد!!! چون واحد پشتیبانی و توپخانه این سپاه رزمی به‌کلی منهدم شده و چیزی از آن باقی نمانده بود. صدام و همراهانش که من هم در میان آنها بودم همه نگران بودیم. در آن لحظه رنگ از چهره صدام پریده و بسیار نگران بود. صدام به ما نگاه کرد و گفت: از شما می‌خواهم در صورتی که اسیر شدیم من و خودتان را بکشید. رئیس‌جمهور در حالی که مضطرب بود، از ژنرال عدنان خیرالله پرسید: عدنان بگو چه باید بکنیم؟! عدنان خیرالله جواب داد جای دیگری برای فرار و پنهان شدن پیدا می‌کنیم. دوباره رئیس‌جمهور پرسید سلاح و مهماتی هم به همراه دارید؟! من جواب دادم فقط یک قبضه تفنگ داریم و ایشان با خشم و غضب گفت: اگر ایرانی‌ها مرا پیدا کنند می‌دانید چه می‌شود؟! افراد همگی سعی می‌کردند رئیس‌جمهور را آرام کنند! او در حالی که به تانک‌های ما که در آتش می‌سوخت نگاه می‌کرد دائم زیر لب می‌گفت: لعنت بر آنها!!! ما را در این ورطه جنگ گرفتار کردند!!! او اسم کسی را نمی‌آورد فقط به لعنت کردن اکتفا می‌کرد اما من می‌دانستم که منظورش آمریکا و بعضی کشورهای عربی همسایه‌مان هستند. آن روز ما برای چند ساعتی در محاصره بودیم اما ناگهان یک دستگاه خودرو را که حامل افراد مجروح بود پیدا کردیم و افراد زخمی را بیرون کشیده خودمان سوار شدیم!!!

رئیس‌جمهور وقتی سر جایش نشست، گفت: زخمی‌ها را مداوا خواهند کرد اما اگر ما اسیر ایرانی‌ها بشویم چه باید بکنیم؟!»

(روزنامه السفیر، ۲۹ ژانویه ۱۹۹۶
به نقل از گزارش روزانه جنگ، صفحات ۱۱ و ۱۲)

ناجوانمردی سازمان‌های بین‌المللی در قبال کشتار مردم دزفول

آنان که به غلط، تصور می‌کنند سازمان ملل مدافع حق مظلومان است، خوب است به شکوائیه مردم دزفول خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد در بحبوحه جنگ و موشک‌باران و کشتار افراد غیرنظامی توجه کنند!

در پی حملات ناجوانمردانه موشکی در نیمه‌های شب به مناطق مسکونی و کشتار غیرنظامیان بی‌گناه، نامه‌ای توسط اقشار مختلف مردم خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد نوشته شد و طی آن خواستار محکوم کردن این اعمال جنایتکارانه و وحشیانه شدند! در بخشی از این نامه آمده است: حکومت بعث عراق عالما و عامدا بر خلاف موازین بین‌المللی و معاهده ژنو مبنی بر مصون بودن افراد غیرنظامی و مناطق مسکونی از حملات نظامی، در نیمه شب سوم آبان ۱۳۵۹ مطابق ۲۵ اکتبر ۱۹۸۰ میلادی برای دومین‌بار (توجه بفرمایید، ماه دوم شروع جنگ، آن هم برای دومین بار؛ بعضی‌ها تصور می‌کنند جنگ شهرها در پایان جنگ تحمیلی اتفاق افتاده، در حالی که دزفول از آغاز جنگ مورد انواع حملات هوایی، راکت و بمب، موشکی و توپخانه‌ای بوده است) با حملات سبعانه و وحشیانه موشکی به مناطق پرجمعیت و فشرده شهر دزفول، موجب انهدام مناطق مسکونی و قتل عده کثیری نفوس بیگناه و طفل شیرخوار یا مردان و زنان زحمتکش جوان و سالخورده شده است؛ آیا این حمله موشکی در مراکز نظامی و جنگ است؟! جنگ شرافتمندانه، جنگی است که تاریخ نظامی را با کشتار مردم به بدنامی نکشاند، اگر این موشک‌ها در جوار مراکز نظامی باعث قتل عده‌ای غیرنظامی، می‌شد، شاید قابل قبول بود... لیکن فاصله موجود بین نزدیک‌ترین مرکز نظامی و محل اصابت موشک‌ها و قتل عام مردم، موید این مطلب است که دولت بعثی عراق، دقیقا علیه بشریت جنایت می‌کند نه جنگ. آیا تاریخ نظامی بشر در کارنامه یورش‌های تمدن‌های برانداز جز قبایل هند و بربر و آتیلا و چنگیز چنین ناجوانمردی‌هایی سراغ دارد؟!

روی مخ عراقی‌ها!!

یکی از ابتکارات جالب رزمندگان اسلام، اقدامی بود که برادران روحانی مستقر در جبهه‌های شوش انجام دادند. آنها علاوه بر اینکه در عملیات‌ها شرکت مستقیم داشتند یا در جبهه‌های پدافندی حضور پیدا می‌کردند، با نصب بلندگو پیام‌هایی به زبان عربی برای سربازان عراقی پخش و آنها را به تسلیم شدن دعوت می‌کردند.

«کتاب حماسه ماندگار» اثر احمد لطیف‌پور

مختصات حکمرانی کارآمد در جمهوری اسلامی ایران

فهم نظام مسائل کشور

علیرضا نصراصفهانی*: شناخت نظام مسائل کشور به معنای کشف منظومه مسائل و فهم رابطه میان آنها و شناسایی گلوگاه‌های اصلی و نقاط مداخله هوشمند، یکی از ضروریات و اولویت‌های حکمرانی بویژه در شرایط کنونی انقلاب اسلامی است. بر همین اساس، گروه‌های متعددی برای شناسایی نظام مسائل در حوزه‌های مختلف فعال شده‌اند و هر یک روایتی از مسائل ارائه می‌دهند. مطمئنا به دلیل تفاوت‌های معنادار در ترکیب نخبگان و سطح شناختی آنها و نیز تنوع روش‌ها و ابزارها، روایت‌های ناظر به نظام مسائل فاصله‌های قابل تاملی دارند. از طرفی استفاده از روش‌های نامناسب و ناسازگار در تحلیل نظام مسائل توصیه‌های نادرست را به بار خواهد آورد. در فقدان روش‌شناسی‌های سازگار و مناسب، خروجی‌های مطالعات نظام مسائل گرفتار سوگیری، جزئی‌نگری، حل مسأله نادرست به جای مسأله درست، نتایج غیرواقعی یا غیرعملی و... هستند. موسسات پژوهشی هم تاکنون در تحقیقات خود با خطی نگریستن به مسائل کشور و در نظر نگرفتن تغییرات اساسی مسائل در آینده، با خطر و ریسک‌های بزرگی مواجهند. اگر نسبت به وضعیت مسائل کشور رویکرد کل‌نگر و منظومه‌ای نباشد و برآوردی از حساسیت سیستم به مداخلات انجام نشود، احتمال خطا و بهم خوردن نظم شکننده موجود و حرکت به سمت بی‌نظمی و آشفتگی وجود دارد. به بیانی دیگر حل مسائل کشور نیازمند مداخلات هوشمند است. هر مداخله‌ای اول باید شبیه‌سازی شود و در مقیاس کوچک یا پایلوت تست شود، در غیر این صورت شاید خسارت مداخلات بیش از دستاوردها باشد.

نظام مسائل کشور امروز بسیار وسیع، عمیق و بهم تنیده است که شامل حل مساله «وابستگی بودجه به نفت»، «عدم شفافیت بودجه»، «مشکلات کسب‌وکار»، «تورم»، «فاصله طبقاتی»، «بی‌ثباتی سیاست‌ها»، «ناکارآیی هزینه‌ها»، «کسری بودجه»، «بیش‌برآورد درآمدها»، «فساد» و هزاران مساله دیگر است اما اینکه کدام مساله در ابتدا باید حل شود، مسائل پیشران کدام است و حل این مسائل در نهایت چگونه به توسعه و پیشرفت کشور منجر خواهد شد، نیاز به درک دقیق از نظام مسائل کشور دارد. به نظر می‌رسد، نظام مسائل کشور به مثابه یک ابرسیستم پیچیده (مانند یک ماهواره فضایی) است. درست است که یک ماهواره فضایی از چندین هزار قطعه تشکیل شده است که ساخت هر کدام از قطعات نیاز به متخصصان فنی دارد اما در کنار این متخصصان فنی، برای فهم مسائل کشور نیاز به یک «سرطراح» یا «معمار»، برای طراحی و معماری و درک یکپارچه کلان‌سیستم مسائل کشور است. بدیهی است این سرطراح، باید از یک تفکر راهبردی و کل‌نگر برخوردار باشد تا بتواند این کلان‌سیستم بزرگ و پیچیده را طراحی و معماری کند. طراحان، صحنه مسائل کشور را به مثابه یک ابرتصویر می‌بینند که از کنار هم قرار دادن صدها و حتی هزاران تصویر کوچک‌تر در کنار همدیگر با یک نظم منطقی به یک تصویر بزرگ‌تر تبدیل می‌شود و بر این باورند که حکمرانی کشور با حل مجموعه‌ای از مسائل در یک چارچوب نظام‌مند در یک گستره زمانی اصلاح پیدا می‌کند و با حل یک یا چند مسأله، اقتصاد کشور سامان پیدا نمی‌کند. طراحان، در برخورد با مسائل کشور دچار اشتباهاتی چون خطی نگریستن به مسائل، عدم دقت به ارتباطات علی و معلولی، عدم بررسی لایه‌های عمیق مسائل، نگاه تک‌بعدی و کوتاه‌مدت به مسائل و گردگویی و کلی‌گویی نخواهند شد بلکه در مواجهه با نظام مسائل کشور، نگاهی چندبعدی، بین‌رشته‌ای، ابتکاری، کاربردی و نظام‌مند، بلندمدت و آینده‌نگرانه، لایه‌ای و عمیق خواهند داشت. به طور کلی نظام حکمرانی کشور برای مواجهه درست با نظام مسائل کشور به حضور نخبگان راهبردی (یا به بیانی دیگر معماران سیستم) در جهت معماری و طراحی کلان سیستم/ ابرتصویر از «نظام مسائل کشور» در کنار نخبگان فنی متخصص در ریزسیستم‌ها (موضوعات مختلف کشور مانند اقتصادی، اجتماعی و...) برای حل «مسائل کشور» نیاز دارد.

*** دکترای آینده‌پژوهی و مدیر گروه آینده‌پژوهی حکمرانی پژوهشکده چشم‌انداز و آینده‌پژوهی**